

## روحانی: دیپلماتی مسلط و حرفه ای

گفتگوی آزاده معاونی با جک استراو

وقتی حسن روحانی مسئول تیم مذاکره کننده هسته ای بود، ایران بیش از هر زمان دیگری به امکان مصالحه با غرب نزدیک شده بود؛ مصالحه ای که ضمن به رسمیت شناختن حق ایران در دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته ای به سال ها انزوای سیاسی کشور نیز پایان می داد. سؤال اینجاست که آیا موفقیت قریب الوقوع مذکور ریشه در مهارت و اختیارات روحانی به عنوان مذاکره کننده ارشد هسته ای داشت یا صرفاً معلول حال و هوای سیاسی آن روزها بود، دورانی که رهبران ایران و غرب تمایل بیشتری به انجام معامله داشتند؟ برای دانستن جواب این سؤال با جک استراو، وزیر خارجه اسبق بریتانیا، گفت و گو کردیم؛ کسی که در آن روزهای طلایی احتمال دستیابی به توافق هسته ای، همراه روحانی بر سر میز مذاکره حضور داشت. استراو احترام زیادی برای روحانی قائل است و به شدت از برخی مقامات سابق ایالات متحده که تمام تلاش شان را برای شکست توافق با ایران به کار بردند، انتقاد می کند. آقای استراو در حال حاضر نماینده پارلمان بریتانیا است. ما با ایشان در فرصت کوتاهی که قبل از سوار شدن به هواپیما در اختیار ما گذشتند صحبت کردیم



شما در کتابتان " آخرین نفر " صحنه ای را توضیح می دهید که در حین انجام مذاکرات بین مقامات ایرانی و اروپایی روحانی از اتاق خارج میشود، به کسی تلفن میکند و بعد از بازگشت به اتاق توافقی را اعلام میکند که در نهایت به اعلامیه تهران منجر میشود. به نظر شما اختیارات روحانی در مذاکرات هسته ای چقدر بود؟

وقتی با دکتر روحانی سر میز مذاکرات مینشستیم مشخص بود که ایشان اختیارات زیادی داشت، اما حسین موسویان ( مذاکره کننده ارشد هسته ای در آن زمان ) در کتاب خود توضیح میدهد که در طول مذاکرات مقامات ایرانی باید برای تصمیم گیری با دفتر رهبر ایران و شخص رهبر صحبت میکردند.

مشهور است که روحانی سیاست مداری حرفه ایست که به راحتی میشود با او صحبت کرد . نظر شما راجع به شخصیت او چیست ؟

او خیلی خوش برخورد بود. مشخص بود که میخواهد از منافع مردم ایران و همچنین حکومت جمهوری اسلامی دفاع کند . دکتر روحانی با تشخیص این واقعیت که ما هم به فکر دفاع از منافع خود بودیم با ما مذاکره میکرد.

آیا دکتر روحانی میتواند راحت انگلیسی صحبت کند یا صحبت به زبان انگلیسی برای او مشکل بود ؟

راستش من یادم نیامد که چقدر راحت یا سخت میتواند صحبت کند چون مسائلی که ما در مورد آنها صحبت میکردیم مسائلی فنی بودند. حتی ایرانیانی که به

زبان انگلیسی مسلط بودند و یا اعضای هیات ما که فارسی میدانستند باید از مترجم استفاده میکردند. انجام مذاکره به زبانی که شما بر آن صد درصد تسلط ندارید خیلی خطرناک است. اما تا جایی که من به یاد میآورم انگلیسی دکتر روحانی به خوبی موسویان نبود.

• آیا به نظر شما روحانی به دنبال رسیدن به یک توافق بود یا فقط سر میز نشسته بود تا مقاومت کند و دائم بگوید "نه"؟

در آن زمان ما در فضایی متفاوت از الان مذاکره میکردیم. هر دو طرف فکر میکردند که میتوانند به توافقی دست یابند. مذاکره از طریق سه کشور اروپایی E3 (بریتانیا، فرانسه و آلمان) به ما قدرت مانور بهتری نسبت به E3 +2 (آمریکا و روسیه) میداد. موسویان و کمال خرازی (وزیر امور خارجه سابق) میگفتند که با ما میتوانند مذاکره کنند. مشخص بود که ما میخواستیم که به توافقی دست یابیم و جزو نومحافظه کاران آمریکایی نبودیم. اما بخشی از مشکلات ما این بود که توافق مورد نظر ایرانیها مستلزم همکاری آمریکایی ها بود، به عنوان مثال دریافت قطعات یدکی (هواپیما، صنعت نفت و غیره). هر دو طرف مذاکره واقف بودند که باید بر سر مسائل اساسی مثل تعلیق، و نه توقف غنی سازی، به توافقاتی دست یابند. بسیار غم انگیز است که به دلایل مختلف این فرصت بزرگ را از دست رفت.



از راست به چپ: خاویه سولانا، یوشکا فیشر، حسن روحانی، جک استراو، دومنیک دو ولپین

• آیا روحانی مذاکره کننده خلاق و ماهریست؟

مشخص بود که دکتر روحانی به کار خود مسلط و فردی حرفه ایست. اما من نمی‌دانم که درون هیات مذاکره کننده ایرانی چه میگذشت. به نظر میرسد بعضی از آنها بیشتر به خطابه علاقه داشتند تا مذاکره.

• شما در کتابتان میگویید که انزوای دیپلماتیک ایران قابل حل بود، ولی راستگرایان اسرائیلی و متحدانشان در واشنگتن سد راه بودند. آیا هنوز به این اعتقاد دارید یا فکر میکنید که مقصر اصلی خود دولت ایران بود؟

فکر میکنم نو محافظه کاران به هدف خودشان رسیدند. آنها اعتبار خاتمی و اصلاح طلبان را خدشه دار کردند و به قول علی لاریجانی (مذاکره کننده هسته ای بعد از روحانی) در نهایت به ایرانی ها آب نبات تعارف کردند. این باعث شد که جو سنگینی بر مذاکرات حاکم شود و نظر راستگرایان اسرائیلی و آمریکایی را نسبت به ایران غالب، و مذاکرات را پیچیده تر کند. البته به نظر من باید هرچه زودتر به توافقی برای این مشکلات دست یافت. به طور نمونه، اینکه تصور کنیم میتوان به راه حلی برای سوریه، بدون حضور ایران دست یابیم کاری بیهوده است.